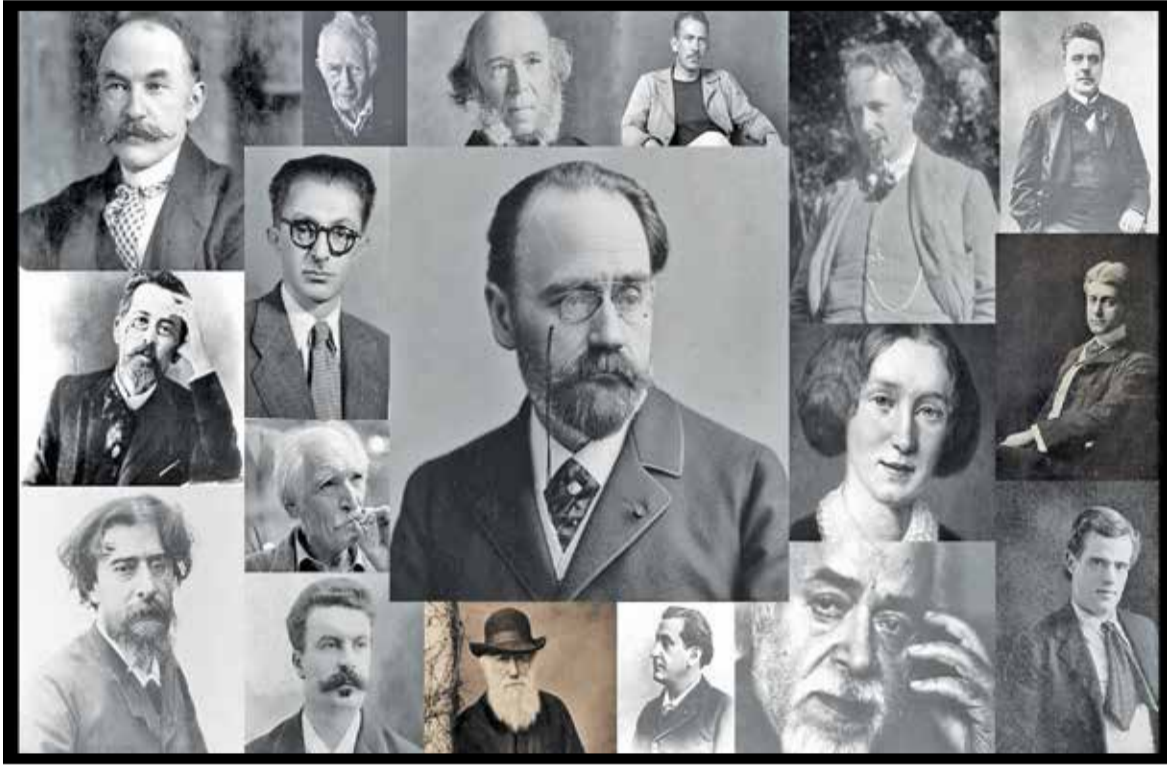


سفر به جهان شعر و قصه‌ها همراه با مکتب‌های ادبی

سفر ششم با مکتب هیجان‌انگیز ناتورالیسم

ریحانه میرحسینی
کارشناس ارشد ادبیات



ناتورالیسم تقریباً همان رئالیسم است با این تفاوت که بر زشتی‌ها تکیه دارد و در باب آن اغراق هم می‌کند. حتی برخی از محققان اعتقاد دارند که ناتورالیسم نسبت به رئالیسم تصویر درست‌تر و کامل‌تری از زندگی ارائه می‌دهد مثل داستان‌های صادق چوبک

و فضا را کاملاً ناتورالیستی می‌کند و با وسواس این داستان خودش را که مانند نقاشی است تعریف می‌کند.

امیل زولا و مکتب ناتورالیسم به صورت خاص و عام

در بحث عام که به ناتورالیسم پرداختیم ولی به صورت خاص بحث در روش و عقاید امیل زولاست. او اعتقاد داشت، علت اعمال قهرمانان داستان باید توجیه علمی داشته باشد و باید علم را وارد عرصه ادبیات کرد. آثار او با تکیه بر قهرمانانی است که دچار پلیدی و بلاها هستند مانند دزدی ولی این زشتی در آنها بسیار برجسته‌تر است. از زمان‌های معروف امیل زولا می‌شود به روگون ماکار که در فاصله ۱۸۹۳-۱۸۷۱ نوشته است، اشاره کرد. این رمان بیست جلدی تاریخ طبیعی و اجتماعی یک خانواده از پدر بزرگ و مادر بزرگ تا قهرمان اصلی است. بعدی ترزا راکن است که آن را در سال ۱۸۶۸ نوشت و بسیار معروف است؛ رمان تجربی او که به آن رمان علمی هم می‌گویند. همچنین رمان نانا که زولا در آن به توصیف دقیق و جز به جز آن می‌پردازد حتی طول و عرض اتاق نانا را نیز اندازه کرده و در داستان می‌آورد. برخی از مجله‌های زولا از قبیل ژرمینال و آسوموار هم معروفند. می‌گویند که برای نوشتن ژرمینال شش ماه را صرف یادداشت برداری از مناطق زغال خیز فرانسه و بلژیک کرده است. کتاب‌های او در سراسر دنیا معروف است و کمتر کسی است که آثار او را نشناسد.

از شعر و نمایشنامه در ناتورالیسم چه خبر؟ ناتورالیسم چند مورد نمایشنامه دارد که معروف‌ترین آنها کلاغان از هانری بک است. ولی اصل این مکتب برای رمان نویسی است. بدین ترتیب شعر ناتورالیستی نیز کمیاب است تا جایی که زولا شعر را بازی بی‌اهمیتی می‌دانست. همچنین شعرهای فرانسوا کوپه را بعضی ناتورالیستی می‌خوانند.

ناتورالیسم در ایران به همراه صادق چوبک یکی از نویسندگان چیره‌دست معاصر ایران است که پس از شهریور ۱۳۲۰ و با پیروی از صادق هدایت و همچنین تحت تأثیر شیوه‌های نویسندگان غربی به نوآوری در ادبیات داستانی ایران دست زد. محتوای داستان‌های او ناتورالیستی و زبان، زبان محاوره مردم جنوب ایران است و در اکثر آثارش بخشی از زوایای تاریخ حیات فردی و اجتماعی ایران زمان خودش را آشکار می‌کند. از آثار او می‌توان به چراغ آخر، تنگسیر، سنگ صبور، انتری که لوپیش مرده بود و خیمه شب‌بازی اشاره کرد. خیمه شب‌بازی اولین کتاب اوست و شامل یازده داستان کوتاه می‌شود که در سال ۱۳۲۴ به چاپ رسید و دارای زبانی ساده و شفاف است که تصویری دقیق از گوشه‌های تاریخ جامعه همراه با انعکاس پلیدی و فقر را به نمایش می‌گذارد. داستان عدل از همین مجموعه، ماجرای اسبی است که پایش شکسته و در جوی آبی بی‌حرکت مانده است و شخصیت‌های مختلف داستان شده و نظری درباره اسب و نجات او می‌دهند. و در انتها هم هیچ اقدام درست و منطقی از سوی مردم صورت نگرفته و اسب در انتظار مرگ می‌ماند. چوبک در این داستان تمام صحنه‌ها را جز به جز و همه حالات اسب و مردم را به تصویر کشیده

در شماره‌های قبلی که بین این شماره و آنها مقداری فاصله افتاده، درباره مکتب‌های ادبی و سبک داستان‌های آنها خواندید و در آخرین شماره به مکتب رئالیسم رسیدیم. در حال حاضر از مکتب ناتورالیستی می‌خوانید و با آن آشنا می‌شوید؛ مکتبی که هم در ایران و هم در جهان طرفداران بسیاری داشته و آثار فراوانی از بهترین نویسندگان خلق شده است.

مکتب ناتورالیسم چگونه شکل گرفت؟ این مکتب در قرن نوزدهم که عقاید و افکار فلسفی افرادی مانند آگوست کنت، شوپنهاور و داروین روح داشت، پا گرفت. در این زمان همه ذهن‌ها متمرکز بر علم و پیشرفت صنایع بود به طوری که اختراعات بسیاری مانند ماشین بخار، چراغ گاز و... ساخته شد و ناتورالیست‌ها هم مثل دانشمندان این دوره معتقد به مشاهده و تجربه بودند و دوران رونق علم بود و فکر می‌کردند همه چیز کشف شده و علم به نقطه بالای خود رسیده است. ناتورالیسم هم مانند رئالیسم در مقابل رومانتیسم قرار دارد با اندک تفاوت‌هایی. ناتورالیسم تقریباً همان رئالیسم است با این تفاوت که بر زشتی‌ها تکیه دارد و در باب آن اغراق می‌کند. حتی برخی از محققان اعتقاد دارند که ناتورالیسم نسبت به رئالیسم تصویر درست‌تر و کامل‌تری از زندگی ارائه می‌دهد؛ مثل داستان‌های صادق چوبک. ولی بعضی‌ها هم معتقدند که از بس اغراق زیاد است به ضد رئالیست تبدیل می‌شود. در کل مکتب ناتورالیست به دنبال حقیقت است و این حقیقت در امور تیره مانند قتل، فقر، جنگ و جنایت و امثال این‌ها بیشتر جلوه‌گری می‌کند.

حرف حساب و اصول ناتورالیست‌ها چه بود؟ ناتورالیست‌ها به چند اصل معتقد بودند که یکی از آنها تأثیر محیط است. انسان هم نوعی حیوان است و غریزی دارد و تحت تأثیر محیط قرار گرفته و تمامی عوامل اقتصادی و اجتماعی روی او اثر می‌گذارد. پایان داستان‌هایشان هم عموماً تراژیک است و توصیف جز به جز و دقیق از همه چیز را در اختیار خواننده می‌گذارد. ناتورالیست‌ها مانند برادران کنگور زبان محاوره را وارد ادبیات کردند و از دیگر اصول آنها می‌توان به اعتقاد به علم و روش‌های علمی و اعتقاد به جبر علمی اشاره کرد. آخرین و مهم‌ترین مشخصه آنها عدم اعتقاد به اخلاقیات است، آنها در نوشته‌های خودشان به این مورد بسیار می‌پردازند و به اصول اخلاقی پایبند نیستند.

بزرگان ناتورالیسم را بشناسید و از آنها بخوانید
ناتورالیسم در اصل از فرانسه شروع شد و خاص آنجاست ولی به هر حال از دیگر کشورها هم سر درآورد. در فرانسه فلور و مویاسان، در انگلستان جرج مور، در امریکا نورمن میلر، در روسیه چخوف و تولستوی و در آلمان گرهارد را داریم که شما اگر علاقه‌مند به ناتورالیسم هستید، می‌توانید آثار آنها را بخوانید.

راهنمای مردن با گیاهان دارویی! همین عنوان به حد کافی می‌تواند جذاب باشد که بخواهیم کتاب را تویق کنیم و از ماجرایش سر در بیاوریم. عنوانی که تناسب جالبی هم با نام خانوادگی نویسنده‌اش دارد: عطارزاده. حتی ممکن است آدم را به این خیال مضحک بیندازد که خانمی عطار واقعاً راهنمایی از مردن با گیاهان دارویی منتشر کرده است.

وقتی چند خط ابتدایی کتاب را می‌خوانیم؛ نه تنها پی می‌بریم که ماجرا چیز دیگری است بلکه قلاب داستان گیر می‌کند و گرفتار می‌شویم. «در طول هفده سال زندگی‌ام در خانه دروازه دولت دیوار از آن خارج می‌شوم. اولین بار شش ساله‌ام.» اینها اولین جملات اولین کتاب عطیه عطارزاده است. او در این اثر داستانی خود، به شرح بخشی از زندگی دختری نابینا می‌پردازد که از زبان خود دختر روایت می‌شود. دختری که گیاهان دارویی خشک می‌کند و تمام جهانش در این کار و مادرش که با او زندگی می‌کند خلاصه می‌شود. در واقع او با جهان بیرون از خانه و شناختی خارج از آنچه مادرش به او می‌شناساند بیگانه است. در واقع مادر، مرجع او برای شناخت هستی و ارتباط با آن است. اما وقتی برای شرکت در مراسمی خانوادگی از جهان خانه‌شان خارج می‌شود؛ اتفاقی در درون رخ می‌دهد که مسیر زیستش را دگرگون می‌کند.

روایت اول شخص که نویسنده برای بیان ماجرای رمانش انتخاب کرده این امکان را به مخاطب داده است تا به دل چالش‌های آدمی نابینا برود و از روزنه نگاه او به ساده‌ترین اتفاقات نگاه کند. اما همین امر، بدون توصیفات بکری که در این کتاب می‌یابیم هرگز محقق



دعوت به تماشای جهان از نگاه دختری نابینا

طغیانی علیه زیستن بدون زندگی کردن

لادن عظیمی
خبرنگار

نمی‌شد. به بیانی کامل‌تر روایت اول شخص و توصیفات به جا و به اندازه به شکلی پایاپای در پیشبرد این رمان نقش بسزایی ایفا کرده‌اند.

عطارزاده به بهترین شکل ممکن از پس ترسیم جهان درونی فردی نابینا برای مخاطب برآمده است. ما در این کتاب بیش از آنکه با دنیای بیرون در ارتباط باشیم با درونیات راوی روبه‌رو هستیم. در واقع موقع خواندن «راهنمای مردن با گیاهان دارویی» در عین اینکه جهان نور و روشنی را نمی‌بینیم؛ به تماشای جهانی منحصر به فرد می‌نشینیم که ویژه‌روای است. و خود راوی یا همان دختر نابینای قصه ما چنان دقیق شخصیت‌پردازی شده است که می‌تواند به خوبی مخاطب را تا پایان قصه به دنبال خود بکشاند. شخصیتی که از یک جایی به بعد، از انفعالی که به دلیل وضعیتش دامنش را گرفته بود خود را می‌رهاند و کنش‌مند می‌شود



راوی یا همان دختر نابینای قصه ما چنان دقیق شخصیت‌پردازی شده است که می‌تواند به خوبی مخاطب را تا پایان قصه به دنبال خود بکشاند. شخصیتی که از یک جایی به بعد، از انفعالی که به دلیل وضعیتش دامنش را گرفته بود خود را می‌رهاند و کنش‌مند می‌شود

ناتورالیسم چند مورد نمایشنامه دارد که معروف‌ترین آنها کلاغان از هانری بک است ولی اصل این مکتب برای رمان نویسی است. همچنین شعر ناتورالیستی کمیاب است تا جایی که زولا شعر را بازی بی‌اهمیتی می‌دانست. حتی شعرهای فرانسوا کوپه را بعضی ناتورالیستی می‌خوانند

